



The University of Tehran Press

Functions and theological tools of social monotheism in the philosophy of economics centered on the verses of the Qur'an

Mohammad Arab Salehi¹ | Fareede Pishvaei^{2*}

1. Logic of Understanding Religion Department, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran, E-mail: Arabsalehi@iict.ac.ir

2. Corresponding Author, Quran and Hadith Department, Research Institute of Islamic Studies of Al-Zahra Community, Qom, Iran E-mail: fpishvaei@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: July 23, 2023
Revised: September 27, 2023
Accepted: October 1, 2023
Published online 19 December 2023

Keywords:
*Function, accessories
philosophy of economics
Quran verses,
social monotheism*

ABSTRACT

Explaining the functions of religion, including "monotheism" and its accessories, is one of the most influential issues of the philosophy of religion; So, the problem of this research is to explain the functions and tools of social monotheism in the philosophy of economics centered on the Qur'an, and the aim is to show the effects of social monotheism in the theoretical assumptions of economics, economic concepts. , the type of attitude towards some economic rulings and goals of economics is based on the Qur'an. The research method relies on the appearance of verses indicating social monotheism, verses containing economic themes, and referring to social interpretations with an analytical-argumentative approach. The theological functions of social monotheism in the presuppositions of economics centered on the Qur'an, in the rejection of non-divine economic systems, everyone's belief in the influence of God's providence in economic affairs and its social results, and presenting a reasoned analysis of divine traditions. It happens in the economy. In the transformational function of social monotheism, economic concepts find monotheistic-social identity and the immortality and transhistoricity of Islamic economic rulings are proven for all societies. Also, the design of the economic system in order to realize the social servitude and economic independence of the societies are two functions of social unification in the goal of economics. This reinterpretation of monotheism will improve the capacity of economics and will be a step forward in the path of Islamization and provide its theoretical topics.

Cite this article: Arabsalehi M. and Pishvaei F. (1402), Functions and theological tools of social monotheism in the philosophy of economics centered on the verses of the Qur'an. *Philosophy of Religion*.20(3). 217-230. DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2023.362533.1005976>



© Mohammad Arab Salehi and Fareede Pishvaei. **Publisher:** University of Tehran Press.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2023.362533.1005976>



انتشارات دانشگاه تهران

نشریه فلسفه دین

شاپا الکترونیکی: ۶۲۳۳-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jpht.ut.ac.ir>

کارکردها و لوازم الهیاتی توحید اجتماعی در فلسفه علم اقتصاد با محوریت آیات قرآن

محمد عرب صالحی^۱ | فریده پیشوایی^{۲*}

۱. گروه منطق فهم دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: Arabsalehi@iict.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، گروه قرآن و حدیث، پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا(س)، قم، ایران، رایانامه: fpishvaei@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

کلیدواژه:

آیات قرآن،

توحید اجتماعی،

فلسفه علم اقتصاد،

کارکرد،

لوازم

تبیین کارکردهای دین یا آموزه‌های آن از جمله «توحید» و لوازم آن از مسائل اثرگذار فلسفه دین است. در این زمینه، مسئله این پژوهش تبیین کارکردها و لوازم توحید اجتماعی در فلسفه علم اقتصاد با محوریت قرآن است و هدف نشان دادن تأثیرات توحید اجتماعی در پیش‌فرض‌های نظری علم اقتصاد، مفاهیم اقتصادی، نوع نگرش به برخی احکام اقتصادی، و اهداف علم اقتصاد بر اساس قرآن است. روش تحقیق اتکا بر ظهور آیات دال بر توحید اجتماعی، آیات دربردارنده مضامین اقتصادی، و مراجعه به تفاسیر اجتماعی با رویکرد تحلیلی-استدلالی است. کارکردهای الهیاتی توحید اجتماعی در پیش‌فرض‌های علم اقتصاد با محوریت قرآن در مردود بودن نظام‌های اقتصادی غیر الهی، اعتقاد همگانی به تأثیر مشیت خداوند در امور اقتصادی و نتایج اجتماعی آن، و ارائه تحلیلی مستدل از سنت‌های الهی در اقتصاد به وقوع می‌پیوندد. در کارکرد تحولی توحید اجتماعی مفاهیم اقتصادی هویتی توحیدی-اجتماعی می‌یابند و جاودانگی و فراتاریخی بودن احکام اقتصادی اسلام برای همه جوامع ثابت می‌شود. نیز طراحی نظام اقتصادی در جهت تحقق عبودیت اجتماعی و استقلال اقتصادی جوامع دو کارکرد توحید اجتماعی در هدف علم اقتصاد است. این بازتفسیر از توحید ظرفیت علم اقتصاد را ارتقا می‌دهد و گامی به جلو در مسیر اسلامی‌سازی و تأمین مباحث نظری آن خواهد بود.

استناد: عرب‌صالحی، محمد و پیشوایی، فریده (۱۴۰۲). کارکردها و لوازم الهیاتی توحید اجتماعی در فلسفه علم اقتصاد با محوریت آیات قرآن. *مجله فلسفه دین*. ۲۳۰-۲۱۷. (۳)۲۰. DOI: <http://10.22059/jpht.2023.362533.1005976>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© محمد عرب صالحی، فریده پیشوایی

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2023.362533.1005976>



مقدمه

توحید اجتماعی، که حاصل رویکرد اجتماعی به قرائت و بازتفسیر توحید است، علاوه بر حوزه‌های عینی و عملی، کارکردهای نظری و علمی و لوازمی دارد که بخشی از آن در تأثیرگذاری و تحول فلسفه‌های مضاف مرتبط با علوم انسانی قابل بررسی است. در فلسفه‌های مضاف به علوم، مباحث پیشینی ناظر به یک علم مانند مبانی نظری و جهان‌بینی، پیش‌فرض‌ها، اهداف و غایات آن علم، و در مجموع حالات و احکام کلی یک علم یا رشته علمی مطالعه می‌شود. بی‌شک توحید که اصل اعتقادی بنیادین و تأثیرگذار در همه معارف و علوم است از مبادی اولیه بحث در فلسفه علوم انسانی است که در جای خود به تفصیل از آن نیز سخن به میان رفته؛ اما مسئله‌ای که این نوشتار درصدد پاسخگویی به آن است تأثیر خوانش اجتماعی از توحید یا ثمره آن یعنی توحید اجتماعی به منزله اصلی‌ترین آموزه ادیان الهی در فلسفه مضاف به علوم انسانی است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به فلسفه علم اقتصاد اشاره کرد. بنابراین، سؤال اصلی که این مقاله در نظر دارد به آن پاسخ دهد این است که خوانش اجتماعی از توحید بر اساس آیات قرآن در فلسفه علم اقتصاد چه تحولاتی ایجاد می‌کند؟ و سؤالات فرعی عبارت‌اند از: بر اساس آیات قرآن کارکرد توحید اجتماعی در پیش‌فرض‌های نظری دانش اقتصاد چیست؟ به دنبال خوانش اجتماعی از توحید، با محوریت قرآن، چه تحولی در برخی از مفاهیم اقتصادی رخ خواهد داد؟ و بر این مبنا توحید اجتماعی چه کارکردی در نوع نگرش به برخی احکام اقتصادی دارد؟ و بنا بر آیات قرآن نقش توحید اجتماعی در اهداف علم اقتصاد چه خواهد بود؟ بنابراین، بررسی تأثیرات توحید نظری در فلسفه اقتصاد کلاً خارج از موضوع این مقاله است.

ضرورت انجام دادن این تحقیق در اهمیت امر اقتصاد در دنیای امروز و رابطه تنگاتنگ سلطه اقتصادی و سلطه سیاسی حکومت‌های استکباری و غیر توحیدی بر ملت‌ها و غارت منابع و سرمایه‌های ملی جوامع آن است. از سوی دیگر، توحید اجتماعی به مثابه اصلی بین‌الادیانی کارکردهای قابل توجهی در فلسفه علوم انسانی، از جمله اقتصاد، دارد و از آنجا که اسلامی‌سازی علوم انسانی سال‌هاست که جزء مطالبات رهبری است و حل مسائل اقتصادی نیز از اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران است، تحقیقاتی از قبیل مقاله حاضر گامی در حل نظری برخی از مسائل اقتصادی خواهد بود. مطالب بیان‌شده ضرورت پرداختن به مباحث کلی و پیشینی علم اقتصاد و اسلامی‌سازی این علم را روشن می‌سازد. زیرا یکی از راه‌هایی که به کمک آن می‌توان در بازسازی یک علم تأثیرگذار بود تجدید نظر در فلسفه آن علم است.

این تحقیق از حیث هدف بنیادی و روش آن از نظر گردآوری داده‌ها و مستندات کتابخانه‌ای و از لحاظ ماهیت تحلیلی است. در این تحقیق، محققان با اتکا بر ظهور آیات دال بر توحید اجتماعی و مضامین اقتصادی و مراجعه به تفاسیر اجتماعی و نواندیشان معاصر، به‌ویژه آیت‌الله خامنه‌ای، به کمک قوه تفکر و تعقل، داده‌های گردآوری‌شده از منابع مکتوب را ارزیابی و تجزیه و تحلیل می‌کنند و به صورت اجتهادی تأثیر این رویکرد در فهم توحید را به شکل مصداقی در محورهای مهم فلسفه علم اقتصاد نشان می‌دهند و به سؤالات تحقیق پاسخ می‌دهند.

در پیشینه این مقاله گفتنی است آثار متعددی در زمینه فلسفه علم اقتصاد در قالب کتاب و پایان‌نامه و مقاله تدوین شده است و طبیعتاً بحث توحید یکی از فصل‌ها و گفتارهای این دسته از آثار است. مثلاً میرمعزی (۱۳۸۸) در کتاب *فلسفه علم اقتصاد اسلامی* نقد مقاله‌هایی در خصوص فلسفه علم اقتصاد اسلامی را آورده که توسط استادان اقتصاد اسلامی نوشته شده‌اند. هادوی‌نیا (۱۳۸۶) در کتاب *فلسفه اقتصاد در پرتو جهان‌بینی قرآن کریم* این فرضیه را دنبال کرده که قرآن آموزه‌های مناسبی در زمینه مبانی فلسفی اقتصاد اسلامی دارد. همچنین موسوی ثمرین (۱۳۹۰) در مقاله «فلسفه علم اقتصاد اسلامی» و توکلی (۱۳۸۹) در مقاله «درآمدی بر چیستی، قلمرو، و چشم‌اندازهای فلسفه اقتصاد اسلامی» به مباحث پیشینی اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند. اما نوآوری این تحقیق در بررسی نقش توحید اجتماعی در مباحث پیشینی علم اقتصاد است. زیرا در جست‌وجوی به‌عمل آمده نگارندگان به پژوهشی که به طور مستقیم کارکردهای خاص توحید اجتماعی و لوازم آن را در مباحث پیشینی علم اقتصاد نشان دهد دست نیافتند. در آثاری هم که تأثیرگذاری مبانی آموزه توحید در برخی گزاره‌های فلسفه این علم نشان داده شده گاه تأثیر پیش‌فرض توحید به کارکرد توحید اجتماعی نزدیک شده است؛ لکن موارد اندک است و تبیین جامع و مستدلی از کارکردها ارائه نشده است. به بیان دیگر توحید نظری یا همان اعتقادی آثاری در زمینه اقتصاد خواهد داشت و در پژوهش‌های

موجود هم تلاش شده تأثیر ایمان به وحدانیت خداوند در علم اقتصاد نشان داده شود. اما، با توجه به تعریف و مؤلفه‌های توحید اجتماعی و شمول آن بر عاملیت‌های فردی و اجتماعی و ساختارهای حاکم بر جامعه، نظریات موجود، چه نظریات هم‌سو چه بدیل در زمینه لوازم الهیاتی و کارکردهای توحید اجتماعی، در علم اقتصاد ورود نداشته‌اند. این امر خلاً پژوهشی در تبیین دقیق تأثیر توحید اجتماعی در فلسفه علم اقتصاد و نشان دادن لوازم و کارکردهای آن در سایر فلسفه‌های مضاف به علوم انسانی و امتیاز تحقیق پیش رو را آشکار می‌سازد.

نکته دیگر که بیان آن لازم است این است که این مقاله پس از فراغ از بحث امکان علم دینی و امکان اقتصاد اسلامی و مبتنی بر آن نگاشته می‌شود. بنابراین جای پرداختن به انظار موافقان و مخالفان این نظریه در این نوشتار نیست و در دو دهه اخیر به‌وفور در کتب و مقالات مختلف به آن پرداخته شده و به حد اشباع رسیده است.

۱. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث، لازم است واژگان توحید اجتماعی و فلسفه علم اقتصاد توضیح داده شود:

۱.۱. توحید اجتماعی

توحید اجتماعی اصطلاحی نوپدید و متأخر است که ایده اولیه آن در اندیشه مصلحان اجتماعی، از جمله آیت‌الله خمینی، استاد مطهری، آیت‌الله خامنه‌ای، دکتر شریعتی، مهندس بازرگان، آیت‌الله طالقانی، و ... بروز و ظهور یافت. در کشورهای عربی نیز خوانش اجتماعی-سیاسی از توحید در آثار مصلحان عرب، مانند شهید صدر و سید قطب، دیده می‌شود. اساساً نخستین اصل رسالت انقلابی پیامبران اثبات توحید و نفی شرک با «لا اله الا الله» است (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۱۶۷). «لا اله الا الله» کلمه نفی است؛ نفی هر فرد، طبقه، اندیشه، و تجلی که در مسیر حرکت انسانی باشد. در پی آن «الا الله» یعنی حاکمیت مطلق مبدأ خیر، حیات، حرکت، آفرینش، و قدرت مطلق (طالقانی، ۱۳۶۰: ۲۸) و اثبات الوهیت معبود به حق. این رویکرد به توحید، که از آیات قرآن قابل استخراج است، بر اساس دو مؤلفه اصلی انحصار ربوبیت به خداوند (← حمد / ۱؛ صافات / ۱۲۶ و زمر / ۷۵؛ یونس / ۱۰؛ رعد / ۱۶) و نفی عبودیت هر معبودی غیر از او (اسراء / ۲۳؛ یس / ۶۰؛ هود / ۲۶؛ انبیا / ۶۷؛ نحل / ۳۶) شکل می‌گیرد.

در خوانش اجتماعی از توحید، این آموزه از حالت اعتقاد و باور قلبی صرف خارج و ابعاد و اضلاع اجتماعی‌اش که تا کنون تا حدود زیادی از انظار اندیشمندان مغفول مانده آشکار می‌شود. مثلاً از نظر آیت‌الله طالقانی توحید فقط یک عقیده قلبی و درونی نیست که انسان را به سوی عبادت و معابد می‌کشاند و همین در کارهای عبادی به کار آید و فقط یک مسئله فلسفی و کلامی نیست که با دلیل و برهان اثبات و به همین جا متوقف شود، بلکه حقیقتی است که باید در فکر و عقل و عمل تحولی پدید آورد و جهت زندگی و وضع اجتماعی را برگرداند و بنای دیگر بر اساس خداوندی که همه جهان ظهور اراده و حکومت مطلق اوست برپا دارد (بسته‌نگار، ۱۳۷۸: ۳۹). توحید اجتماعی، با تکیه بر توحید اعتقادی، نه تنها به مباحث نظری صرف، مانند مناظرات کلامی و فلسفی و عرفانی، ورود نمی‌کند، بلکه دکترینی اجتماعی و طرحی عملی برای زندگی است که در صورت حاکمیت آن در نظام اجتماعی کمال و تعالی و سعادت بشر رقم خواهد خورد (← خامنه‌ای، ۱۳۵۶: ۶۸). از نظر ایشان، توحید یک مبنای فلسفی و یک اندیشه است. اما این توحید یک امتداد اجتماعی و سیاسی دارد. «لا اله الا الله» فقط در تصورات و فروض فلسفی و عقلی منحصر و زندانی نمی‌ماند؛ وارد جامعه می‌شود و تکلیف حاکم را معین می‌کند، تکلیف محکوم را معین می‌کند، تکلیف مردم را معین می‌کند (بیانات در دیدار گروهی از فضلاء حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹) و برخلاف گمان برخی که معتقدند اعتقاد به توحید مربوط به بعد از مرگ است اعتقاد به توحید سازنده این عالم و سازنده زندگی است (← بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۷/۴/۲۱).

در این تعریف، توحید از سطوح کلان مدیریتی و حاکمیتی جامعه و نیز ساختار و نظام‌های خرد و کلان اجتماعی گرفته تا ارتباطات و تعاملات خانوادگی و روابط بینافردی در جریان است. با در نظر داشتن این تعریف از توحید اجتماعی و تقسیم رایج توحید به توحید نظری (ذاتی، صفاتی، افعالی، ربوبی) و توحید عملی، توحید اجتماعی را می‌توان زیرمجموعه توحید عملی در ساحت زیست اجتماعی قرار داد. همچنین، توحید اجتماعی ربوبیت تشریحی در امور اجتماعی را شامل می‌شود. طبیعتاً، آثاری که

مترتب بر خوانش اجتماعی از توحید است هیچ‌گاه از توحید نظری و غالب مراتبش که صبغه نظری و اعتقادی صرف دارند حاصل نخواهد شد. افرون بر اینکه توحید اجتماعی با عاملیت‌ها و عملکردهای اجتماعی موحدان پیوند تنگاتنگ دارد، نه با اعتقاد و باورهای ذهنی آن‌ها، و اگر هم کارکرد اجتماعی برای این باورها قائل شویم، ناشی از همان هویت اجتماعی از توحید است که به مثابه حلقه مفقوده غالباً از منظر دانشمندان مغفول مانده است.

۱. ۲. فلسفه علم اقتصاد

فلسفه علم اقتصاد در زمره فلسفه علوم انسانی به شمار می‌آید. فلسفه علوم انسانی نیز از زیرشاخه‌های فلسفه علم است که از آن‌ها به فلسفه‌های مضاف یاد می‌شود. فلسفه علم به ما امکان می‌دهد که ژرف‌تر کاوش کنیم تا فرض‌هایی را که در کار علمی مستترند، اما دانشمندان به‌صراحت درباره آن‌ها بحث نمی‌کنند، کشف کنیم (اکاشا، ۱۳۹۸: ۲۱). در این زمینه، فلسفه‌های مضاف به علوم، که دانش درجه دو هستند، با نگاه بیرونی به دانش‌های نظام‌مند و رشته‌های علمی می‌پردازند و احکام و عوارض آن‌ها را بیان می‌کنند (خسروپناه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۷۱ - ۷۳).

فلسفه علم اقتصاد نیز از گروه فلسفه‌های مضاف است که به شناخت مبانی یا مبادی تصویری و تصدیقی این علم می‌پردازد؛ چنان که گفته شده فیلسوفان اقتصاد فیلسوفانی هستند که کارشان بر مبانی نظری و روش‌شناختی و اخلاقی اقتصاد متمرکز است (Reiss, 2013: 6). از سوی دیگر، هنگامی می‌توان زمینه شکوفایی یک علم را مهیا ساخت که پرده ابهام از مباحث پیشینی آن زدوده شده باشد. از مسائل مهم فلسفه اقتصاد اسلامی بررسی مبانی اقتصاد اسلامی، ارتباط اقتصاد اسلامی با دیگر بخش‌های علوم اسلامی، تأثیر اجتماعی اقتصاد اسلامی، و ... است (هادوی‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۷ - ۲۸). بر این اساس، مراد از فلسفه اقتصاد در این مقاله مباحث کلی مثل مبانی مختلف علم اقتصاد و پیش‌فرض‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با این علم است که به جزئیات نظر ندارد.

۲. کارکردهای توحید اجتماعی در فلسفه علم اقتصاد

بنا به ظرفیت این نوشتار و مقدار دلالتی که از ظهور آیات قرآن در این زمینه می‌توان استفاده کرد کارکردهای توحید اجتماعی در چهار محور پیش‌فرض‌های اعتقادی، مفاهیم اقتصادی، نوع نگرش به احکام اقتصادی، و هدف علم اقتصاد بررسی شده که نتایج آن به شرح زیر است:

۲. ۱. کارکردهای الهیاتی در پیش‌فرض‌های اعتقادی علم اقتصاد

از دیدگاه نگارندگان، توحید و خداشناسی که در نظام اقتصادی تأثیری نداشته باشد از مفهوم واقعی خود منحرف می‌شود؛ چنان که آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید خداشناسی و خداپرستی‌ای که قبول کردن یک طرف در او در سرنوشت کارتل‌ها^۱ و تراست‌ها^۲ و سرمایه‌داری‌ها و تبعیض‌ها تفاوت و اثری نگذارد فایده و اثری ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۶۳). نگرش توحیدی اساساً مقوله اقتصاد را از یک امر صرفاً مادی ناظر به تولید و ثروت و ... به یک امر معنوی زمینه‌ساز برای رشد و تعالی تغییر می‌دهد و یک تحول بینشی اساسی ایجاد می‌کند. با این مقدمه بخشی از کارکردهای الهیاتی توحید اجتماعی در پیش‌فرض‌های اعتقادی یا همان جهان‌بینی عبارت‌اند از:

۲. ۱. ۱. مردود بودن جهان‌بینی غیر الهی و سکولار در نظریات علم اقتصاد

در جهان‌بینی توحیدی خداوند مالک همه اموال است که در قرآن از آن به مال الله یاد شده (نور/ ۳۳) و امکان بهره‌برداری از اموال و نعمات الهی را برای نوع انسان فراهم کرده است: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (جاثیه/ ۱۳). همچنین، در آیاتی مسئله جانیشینی خداوند در زمین در اموال و منابع و ... بیان شده است

۱. کارتل به شرکت‌هایی گفته می‌شود که در یک زمینه فعال هستند و با توافق در مورد تقسیم بازار میان خود و حجم تولید و قیمت کالا بازار آن کالا را برای خود انحصاری می‌کنند.

۲. تراست از اتحاد چند شرکت که کالایی مشابه هم تولید می‌کنند به وجود می‌آید. در تراست سهم شرکت‌های عضو جدا و مشخص است. اما امکانات همگی در اختیار تراست قرار داده می‌شود.

(فاطر / ۳۹: انعام / ۱۶۵؛ یونس / ۱۴). این یعنی در قیاس با خداوند هیچ کس مالک نیست، بلکه امین در نگهداری و نائب در تصرف است و آیاتی نظیر «وَ اتُّوهُمُ مِنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ» (نور / ۳۳) و «آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اتَّقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ» (حدید / ۷) گواه بر آن است و همه اموال و مجموع مال‌ها نیز برای اداره شئون مجموع انسان‌هاست (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۰۷ و ۱۰۸). همچنین، از مجموع آیات پیش‌گفته به دست می‌آید خلافت در اموال در اصل برای جماعت و جامعه است و به همین دلیل می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره / ۲۹) (صدر، ۱۳۸۵: ۵۳۸)؛ چنان که در آیه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَ ارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَ اكْسُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء / ۵) خطاب به جمع است و در ضمن توصیه به حفظ اموال و نهی از سپردن آن به سفها مال به جماعت اضافه شده است (أَمْوَالِكُمْ). و در جمله «أَمْوَالِكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» نیز بر این امر تأکید شده است (صدر، ۱۳۸۵: ۵۳۹). یعنی، در عین حفظ مالکیت فردی و خصوصی، مسئولیتی اجتماعی برای همگان در قبال اموال و ثروت‌ها تعیین شده است.

با در نظر گرفتن آیاتی که هدف خلقت را عبودیت معرفی می‌کنند (ذاریات / ۵۶) لازم است نحوه سرپرستی و اداره امور مالی و ساختار اقتصادی جامعه به صورت کلی و با توجه به نیازهای اجتماعی در مسیر همگانی شدن عبودیت و رسیدن به رشد و تعالی جامعه انسانی تعیین و تحدید شود. با این پیش‌فرض، هر نظام و سیستم اقتصادی غیر الهی که در خلاف جهت مسیر رو به رشد و کمال قرار دارد و بر مبنای دیدگاه سکولار و کنار گذاشتن خداوند تنظیم شده مردود و محکوم به بطلان و نابودی است؛ چه اینکه تبعیت از هر تئوری اقتصادی که به خداوند و اوامر و نواهی او متصل و منتسب نباشد مصداقی از شرک عملی به حساب می‌آید، حتی اگر بر اساس بهترین و قوی‌ترین نظریات علم اقتصاد و دیدگاه زبده‌ترین نظریه‌پردازان اقتصادی شکل گرفته باشد: «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَ فَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا»؛ بگو پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟ بگو خدا! بگو پس آیا جز او سرپرستانی گرفته‌اید که اختیار سود و زیان خود را ندارند؟ (رعد / ۱۶). کسی که تحت ربوبیت خداوند قرار ندارد نمی‌تواند سود و زیان واقعی و مصلحت خود را تشخیص دهد. زیرا افق دید او به این عالم خلاصه می‌شود. سود حقیقی فقط تحت ربوبیت و تدبیر خداوند به دست می‌آید و علم حقیقی و حق از آن او و از سوی اوست: «لَا يَحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ» (بقره / ۲۵۵) و «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ» (آل عمران / ۶۰).

تخطی نظام‌های اقتصادی از مسیر عبودیت الهی است که موجب ظهور فساد در زمین می‌شود: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم / ۴۱). بنابراین، مسئله‌ای مانند رباخواری در قرآن به شدت نهی و در صورت عدم ترک آن از سوی خداوند و رسولش اعلان جنگ شده: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ» (بقره / ۲۷۹). تعبیر به «اعلان جنگ» (شیبانی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۵۶؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۱: ۴۳۷ - ۴۳۸؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۵: ۱۴۷) در قرآن فقط درباره همین گناه کبیره آمده و این دلیل بر آن است که این گناه خصوصیتی دارد که در سایر گناهان نیست. زیرا جنگ با بندگان خدا و مستضعفان است و جنگ با آن‌ها در واقع جنگ با خداست (مکارم شیرازی، ۱۳۶۰: ۱۱۴). رباخواران محارب خدا و رسول شمرده شده‌اند. این معنا کاملاً با معنای توحید اجتماعی سازگار است.

علم اقتصاد امروز، که در فضای نظام سرمایه‌داری تنفس کرده و بر این مبنا طراحی شده و سودمحوری و سودجویی سکولار-اومانستی ولو به قیمت غارت منابع و سرمایه‌های ملت‌ها پیش‌فرض اصلی آن است، با خوانش اجتماعی از توحید در تضاد کامل است.

۲.۱. ۲. تأثیر مشیت خداوند در امور اقتصادی و نتایج اجتماعی آن

قرآن در آیات متعدد (مانند ابراهیم / ۳۲) به صورت کلی مرجع همه امور، زمینه‌ها، مراحل، و فرایندهای کسب رزق و روزی را خداوند معرفی می‌کند. برخی از تأثیرات مشیت الهی در امر اقتصاد و نتایج اجتماعی آن از آیات زیر استنباط می‌شود:

- دعا و استغفار جمعی

آیات اولیه سوره نوح، پس از گزارش دعوت نوح(ع) از قومش به بندگی و تقوا و اطاعت از خداوند: «أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ وَ

۱. این امر به کارگیری قوه عقل در مسائل اقتصادی را در کنار بهره‌گیری از وحی نفی نمی‌کند. سخن در عدم توجه به آموزه‌های الهی و کنار گذاشتن خدا و اعتماد مطلق به عقل انسانی در علم اقتصاد است.

«طِيعُونَ» (نوح/ ۳) و بیان روی گردانی آنان از این امر (نوح/ ۶ و ۷). او آنان را به مغفرت الهی فرامی خواند که نتیجه آن فراوانی مال و نعمات مادی و رونق و آبادانی است: «قُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلَ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»؛ به آن ها گفتم از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است تا باران آسمان بر شما فراوان نازل کند و شما را به مال بسیار و پسران متعدد مدد فرماید و باغ های خرم و نهرهای جاری به شما عطا کند (نوح/ ۱۰ - ۱۲).

در آیات اولیه سوره هود نیز پس از دعوت به توحید: «أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ» (هود/ ۲) و دعوت به استغفار می فرماید: «وَ أَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمِيعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا»؛ از پروردگار خویش آمرزش بطلبید سپس به سوی او بازگردید تا شما را تا مدتی معینی (از مواهب زندگی این جهان) به خوبی بهره مند سازد (هود/ ۳). منظور از «مَتَاعًا حَسَنًا» به نسبت جامعه حیات حسنه دنیایی و انتفاع عمومی و مشترک از نعمت های دنیایی و از ثمرات کلمه طیبه توحید است (← طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۱۴۱ - ۱۴۳).

- اقامه جمعی شریعت الهی

در برخی آیات اقامه جمعی دین و شریعت الهی مایه نزول خیرات و برکات است: «لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ»؛ و اگر آنان تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارش بر آن ها نازل شده [= قرآن] برپا دارند از آسمان و زمین روزی خواهند خورد. جمعی از آن ها معتدل و میانه رو هستند. ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می دهند (مائده/ ۶۶).

سایه افکنی اعتقاد همگانی به تأثیر مشیت و اراده الهی در پیش فرض های علم اقتصاد در کنار اصل تلاش جمعی برای رونق اقتصادی بیشتر دو نتیجه مثبت به دنبال دارد:

اول. موجب توکل فردی و اجتماعی به خداوند و سپردن سرانجام فعالیت های اقتصادی به او می شود که بهترین و کیل هاست و اساساً از صفات مؤمنان توکل بر خداوندی است که غیر از او خدایی نیست: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (تغابن/ ۱۳).

دوم. حاکمیت توحید اجتماعی و باور به تأثیر غیر استقلالی عوامل اقتصادی در مسائل علم اقتصاد و عملیاتی سازی آن سبب افزایش تاب آوری اجتماعی و افزایش آستانه تحمل جمعی در مسائل و مشکلات اقتصادی جامعه می شود.

۲. ۱. ۳. تحلیل مستدل سنت های الهی حاکم بر اقتصاد به مثابه منبع تحلیل مسائل علم اقتصاد

خوانش اجتماعی از توحید فهم دقیق سنت های اجتماعی در زمینه مسائل اقتصادی، مانند از دست دادن نعمت در اثر کفران اجتماعی نعمت، را به دست خواهد داد و به مثابه منبعی جدید تحلیل دقیق تری از عوامل دخیل در مسائل علم اقتصاد ارائه خواهد کرد. در این رابطه خداوند قومی را مثال می زند: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَدَّأَقَهَا اللَّهُ لِبَاسِ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»؛ و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزی اش از هر سو فراوان می رسید. پس [ساکنانش] نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید (نحل/ ۱۱۲).

در آیه یادشده، سخن از یک منطقه آباد و پر نعمت به میان آمده که بر اثر کفران نعمت اهالی آن منطقه گرفتار ناامنی و گرسنگی و بدبختی شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۴۳۰) که اشاره به عقوبت و کیفر ناسپاسی همگانی در مقابل نعمت های الهی دارد. در روایتی امام صادق (ع) می فرماید این آیه در مورد قومی از بنی اسرائیل است که از طعامشان مجسمه ساخته بودند یا خود را با آن تطهیر می کردند (عیاشی، ۱۳۸۰، ق، ج ۲: ۲۷۳).

در این آیه، با وجود ذکر «اللَّهُ» در ابتدای آیه، همچنان که با تعبیر «بِأَنْعَمِ اللَّهِ» نعمت ها از سوی خداوند معرفی می شود، با جمله «فَأَدَّأَقَهَا اللَّهُ» کیفر قومی که در مقابل نعمت های الهی ناسپاسی می کنند مجدداً به خداوند نسبت داده می شود. این امر بر ربوبیت مطلق خداوند در قبض و بسط و دادن و گرفتن نعمت های مادی و رزق و برکت در جوامع دلالت می کند.

با توجه به این آیه و استناد به سنت های اجتماعی و تحلیل آن به فهم بهتری از این مسئله می رسیم که عملکردهای اجتماعی و نافرمانی جمعی از اوامر خداوند در مسائل اقتصادی نیز کیفر و نتایج اجتماعی خواهند داشت که گریبان گیر همه خواهد

شد. این امر اهمیت اراده‌های جمعی و نقش آن در سرنوشت جامعه و سعادت یا شقاوت و محرومیت از الطاف الهی را نشان می‌دهد. خداوند در تحلیل این مسئله می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند و خدا شنوای داناست (انفال / ۵۳). از این آیه به دست می‌آید که فیض رحمت خدا بی‌کران و عمومی و همگانی است. اما به تناسب شایستگی‌ها و لیاقت‌ها به مردم می‌رسد. در ابتدا خدا نعمت‌های مادی و معنوی خویش را شامل حال اقوام می‌کند. چنانچه نعمت‌های الهی را وسیله‌ای برای تکامل خویش ساختند و از آن در مسیر حق مدد گرفتند و شکر آن را که همان استفاده صحیح است به‌جا آوردند، نعمتش را پایدار و بلکه افزون می‌سازد؛ اما هنگامی که این مواهب وسیله‌ای برای طغیان و سرکشی و ظلم و بیدادگری و تبعیض و ناسپاسی و غرور و آلودگی شود نعمت‌ها را می‌گیرد یا آن را تبدیل به بلا و مصیبت می‌کند. بنابراین، دگرگونی‌ها همواره از ناحیه ماست؛ وگرنه مواهب الهی زوال‌ناپذیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۲۰۷).

توجه به سنت‌های الهی در عرصه اقتصادی هم برای هر یک از فعالان اقتصادی اثر دارد هم برای طراحان و متولیان نظام اقتصادی اسلام. ایشان با توجه به آثار و پیامدهای مثبت و منفی اقتصادی انواع رفتارها و روابط غیر مادی تلاش می‌کنند تا رفتارها و روابطی را که پیامد مثبت اقتصادی دارند دنبال و از رفتارها و روابطی که آثار منفی اقتصادی در پی دارند پرهیز کنند. اگر این امر تبدیل به فرهنگ عمومی در عرصه اقتصادی شود، تردیدی نیست که بسیاری از مشکل‌های اقتصادی برطرف خواهد شد و کل جامعه به سمت رفاه عمومی پیش می‌رود (یوسفی، ۱۳۹۵: ۱۸۴).

۲.۲. کارکرد تحولی در خوانش جدید از مفاهیم اقتصادی با هویت اجتماعی - توحیدی

از مسائل اصلی فلسفه یک علم معناشناسی مفاهیم مورد بحث در آن علم است. مثلاً مفاهیم اصلی علم حقوق در فلسفه آن علم بحث می‌شود و مفاهیم مهم علم اخلاق در فلسفه اخلاق مورد بحث قرار می‌گیرد و در برخی کتب فلسفه اخلاق بحث از مفاهیم بنیادی آن علم چند فصل را به خود اختصاص داده است (← مصباح، ۱۳۸۱: ۲۱ - ۳۹). طبعاً در فلسفه اقتصاد هم معناشناسی مفاهیم بنیادی آن در فلسفه علم اقتصاد مورد بحث قرار می‌گیرد و چنانچه عاملی موجب تغییر در آن مفاهیم شود همین‌جا باید مطرح شود. با رویکرد اجتماعی به توحید، در مفاهیم اقتصادی مانند رفاه، تولید، مصرف، توزیع، و ... تغییرات قابل توجهی ایجاد می‌شود و صبغه و هویت جدید اجتماعی - توحیدی پیدا می‌کنند. مثلاً، با پیش‌فرض توحید اجتماعی، رفاه و آسایش مادی و مالی، هرچند لازم است برای همهٔ بندگان الهی مهیا شود، در نظر اکثریت جامعه اصل و هدف نهایی نیست و به جای موضوعیت داشتن استقلالی خصیصه آلی و ابزاری پیدا خواهند کرد. بر این اساس، تلاش برای تولید و رونق و آبادانی زمین که وظیفه همگانی است رنگ و بوی توحیدی می‌گیرد و بر اساس ربوبیت و عبودیت مطلق خداوند معنا می‌شود؛ چنان که در آیه ۶۱ سوره هود حضرت صالح^(ع) هم‌سو با پیام مشترک همهٔ انبیا ابتدا قوم خود را با خطاب همگانی به توحید و پرستش خدای یگانه دعوت می‌کند و پس از نفی هر معبودی غیر از او، که دو مؤلفه توحید اجتماعی هستند، ویژگی فطری و قدرت سازندگی و آبادانی زمین در انسان را از سوی خداوند می‌داند: «قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»؛ ای قوم من، خدا را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست. اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت (هود / ۶۱). در این آیه اقدام به تلاش در روی زمین و آبادانی آن، که نتیجه‌اش تولید و رونق اقتصادی است، علت عبودیت خدای یگانه و نفی پرستش سایر معبودها معرفی شده و نگاه آلی به عمران و آبادانی زمین کاملاً روشن است. زیرا مطابق آیه این امور می‌تواند زمینه بندگی خدا را بهتر فراهم کند. این در حالی است که در مکاتب سرمایه‌داری و کاپیتالیستی اصل جذب و کسب ثروت ارزش استقلالی دارد و طبعاً یک مفهوم آلی و یک مفهوم استقلالی با هم متفاوت‌اند. علامه طباطبایی در تحلیل این امر معتقد است اینکه جمله «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» بدون حرف عطف پس از «اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» آمده از این روست که گویا سؤال‌کننده‌ای می‌پرسد: «برای چه خدا را عبادت کنیم؟» و پاسخ داده می‌شود: «زیرا اوست که شما را از مواد این زمین خلق کرد و آبادانی آن را به شما سپرد». این آیه وساطت هر شفیع و واسطه بین خدا و بندگان را نفی می‌کند و منشأ ایجاد و بقای انسان در زمین را تنها خداوند می‌داند. بنابراین، در تدبیر نظام جاری هیچ سببی از خود استقلال ندارد و انسان‌ها نباید به نفع‌رسانی آن‌ها امید ببندند یا از خشم آن‌ها و در امان ماندن از شرور نگران باشند؛ چه اینکه خداوند رب الارباب

است و بازگشت همه امور به اوست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۳۱۰ - ۳۱۱). نیز آیه «وَإِلَىٰ مَدِينِ آخَاهُمُ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ»؛ و به سوی مدین برادرشان، شعیب، را [فرستادیم] گفت ای قوم من، خدا را پرستش کنید که جز او معبود دیگری برای شما نیست. پیمان‌ه و وزن را کم نکنید [و دست به کم‌فروشی نزنید]. من [هم‌اکنون] شما را در نعمت می‌بینم. [ولی] از عذاب روز فراگیر بر شما بیمناکم (هود/ ۸۴)، که خطابی جمعی به قوم حضرت شعیب^(ع) است، رعایت عدالت در امر داد و ستد پس از امر به عبادت خداوند و نفی هر معبود دیگر آمده است: «وَ لَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ» که از ثمرات نگاه اجتماعی به توحید است.

این مطلب در مورد مقوله مصرف هم صدق می‌کند. با نگاه توحید اجتماعی، ضمن تأکید بر حلیت مصرف نعمت‌های خدا بر بندگان: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف/ ۳۲)، خواست‌های جمعی نه‌تنها از خوش‌گذرانی بر اساس مصرف و اسراف روی‌گردان است، بلکه آن را ابزاری در تأمین نیازهای مادی برای تأمین آخرت می‌داند؛ چنان‌که مؤمن آل فرعون خطاب به قوم بنی اسرائیل این هشدار را می‌دهد که درک درستی از ناپایداری زندگانی دنیا و پایداری زندگی در آخرت داشته باشند: «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر/ ۳۹). گسترش روحیه جمعی ایشار و بخشش و معامله با خداوند زمینه برطرف شدن نیازهای طبقه‌های نیازمند را فراهم خواهد کرد. در این صورت در توزیع اموال نیز توجه به نیازهای طبقه محروم، ضمن آنکه اولویت می‌یابد، از انحصار اقدامات حکومتی خارج و تبدیل به وظیفه همگانی می‌شود. در مجموع، در پرتو توحید اجتماعی، جامعه و مصالح و منافع اقتصادی آن با هدف‌گذاری رسیدن به مختصات جامعه توحیدی بر منافع فردی و جزئی اولویت می‌یابد و به تبع آن مفاهیم نیز بر اساس مصالح جمع بازتعریف می‌شود.

۳.۲. کارکرد تحولی در نوع نگرش به احکام اقتصادی

مراد از احکام در اینجا احکام اقتصادی کلی و ثابتی است که ویژگی هنجاری و دستوری دارند و ناظر به رفتار حاکمان و تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و در مجموع کنش‌های کارگزاران امور اقتصادی هستند و بدیهی است نوع نگرش به احکام اقتصادی و نه نفس احکام از مسائل فلسفه اقتصاد است. با این مقدمه تأثیر توحید اجتماعی در این بخش عبارت است از:

۳.۲.۱. جاودانگی و فرازمانی و فرامکانی بودن احکام برای همه جوامع با نگاه توحیدی

یکی از کارکردهای تحولی توحید اجتماعی در نوع نگرش به احکام اقتصادی و ویژگی‌های آن یکسان‌سازی آن‌ها برای همه جوامع بدون حد و مرز جغرافیایی و تاریخمندی است. زیرا توحید مرزی ندارد. با فهم اجتماعی از توحید و باور به ربوبیت مطلقه خداوند و لزوم عبودیت همگانی او و پذیرفتن مرجعیت صدور احکام توصیه‌ای اقتصادی در اوامر و نواهی الهی، افزون بر احکام عقلی و تجربی غیر متعارض با نقل، این دسته از احکام اقتصادی به صورت مستدل ماهیتی اجتماعی و فراتاریخی می‌یابند و منحصر به زمان و دوره تاریخی یا مکان و جامعه و جغرافیا یا نظام اجتماعی خاصی نخواهند بود؛ چه اینکه این احکام تناسب حقیقی و واقعی با فطرت انسان‌ها دارند که در همه زمان‌ها و مکان‌ها امری ثابت و لایتغیر است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم/ ۳۰). مثلاً، نهی از گردش اموال و ثروت‌ها به دست ثروتمندان نمونه‌ای از این احکام مبنایی و همیشگی در اقتصاد اسلامی و راهبردی در جهت درمان فقر اجتماعی است: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَالرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ...» (حشر/ ۷).

گردش و تداول ثروت در دست گروهی خاص و جرمان توده جامعه از آن به دو صورت ترسیم می‌شود که هر دو نارواست؛ یکی بر اساس نظام کاپیتال و سرمایه‌داری غرب و دیگری بر پایه نظام دولت‌سالاری و مکتب مارکسیسم فروریخته شرق (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۰۹). همچنین، نهی از ثروت‌اندوزی و عدم انفاق مال در راه خدا اصلی کلی برای همه جوامع است. خداوند می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»؛ و کسانی را که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می‌سازند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند به مجازات دردناکی بشارت ده! (توبه/ ۳۴). این آیه دلیل بر منع رکود مال و گواهِ بر لزوم جریان آن در همه اعضای جامعه است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۰۸). اسلام برای رفع مشکل قشر فقیر و محروم راهکارهای کلی دارد که مهم‌ترین آن‌ها صدقه، انفاق، اطعام، زکات، و خمس است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ» (توبه/ ۶۰)؛ «قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّذِينَ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ» (بقره/ ۲۱۵)؛ «وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ» (اسراء/ ۲۶)؛ «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ

لِرَسُولٍ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ» (انفال / ۴۱) (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۱۹).

احکام اقتصادی یادشده بر مبنای توحید اجتماعی و اختصاص حق قانون‌گذاری مطلق به خداوند اختصاص به موقعیت زمانی و مکانی خاصی ندارند و به منزله دستورالعمل کلی در همه جوامع لازم و قابل اجرا هستند و باید در دانش اقتصاد لحاظ شوند. بر این اساس، اموال و ثروت‌ها که مالک حقیقی آن‌ها خداست نباید به قشر خاصی اختصاص داشته باشند و همواره بین ثروتمندان دست به دست شوند و بقیه اقشار در خدمت این طبقه باشند. همچنین، جهت تأمین اقتصادی طبقات محروم باید تدابیری کلی اندیشیده شود؛ چنان که از صفات متقین اختصاص بخشی از مال به نیازمندان معرفی شده است: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»؛ در اموالشان حقی برای سائل تهی‌دست و محروم از معیشت است (ذاریات / ۱۹).

۲.۳.۲. پیامدهای کنار گذاردن احکام جهان‌شمول توحیدی در مکاتب اقتصادی

از پیامدهای اجتماعی اعراض از احکام اقتصادی جهان‌شمول توحیدی در مکاتب غیر الهی و سکولار اقتصادی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲.۳.۲.۱. گسترش دایره ابتلا به فقر

روی‌گردانی از نظام اقتصادی توحیدی و سلطه نظام سرمایه‌داری بر جهان شکاف ثروت و درآمد بین اغنیا و فقرا در جهان را نشان می‌دهد.^۱ مثلاً، در دهه ۱۹۶۰ میلادی درآمد پنج دهک ثروتمند ۳۰ برابر پنج دهک فقیر دنیا بود. اما این نسبت پس از آن ۸۰ برابر شد. بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ میلادی این نسبت به ۱۱۴ برابر رسید (یوسفی، ۱۳۹۵: ۳۸۳). همچنین، گزارش منتشرشده بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ میلادی درباره فقر ۱۱۵ کشور جهان حاکی از آن است که وضعیت فقر از وسعت و عمق بیشتری برخوردار شده و تعداد فقیران، به‌ویژه افراد دچار فقر شدید، افزایش یافته است (یوسفی، ۱۳۹۵: ۳۸۵).

۲.۳.۲.۲. محرومیت اجتماعی از برکات و نعمات آسمانی و زمینی

از قوانین کلی تضمین الهی رشد اقتصادی و وابسته بودن آن به ایمان اجتماعی به خداوند و تقوای همگانی از اوست که به دلیل عبارت «أَهْلَ الْقُرَىٰ» در همه جوامع صدق می‌کند و به تصریح آیه، چون جوامع خلاف این امر انجام دادند، نعمت جایگزین نعمت شد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم. ولی تکذیب کردند. پس به کیفر دستاوردها گریبان آنان را گرفتیم و به جای برکت گرفتار نعمت شدند (اعراف / ۹۶). «القری» جمع همراه با «الف» و «لام» است و کل مجتمعات و مکلفان را در طول زمان و عرض زمین شامل می‌شود (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۳۴).

در مقابل، در مبنای شرک، هر فرد و طبقه‌ای که قدرت جسمی و حيله و ابتکارش بیشتر باشد سرمایه‌های طبیعی و تولیدی و انسان‌ها را بیشتر در تصرف خود می‌آورد و این جریان شرک و آثار و تبعات آن است که همیشه به صورت‌های مختلف بوده و هست و خواهد بود. اگر این ریشه و مینا را نادیده بگیریم و چشم به تبعات و روبناها بدوزیم و چاره بیندیشیم، خود را فریفته‌ایم و همیشه به جای خود خواهیم ماند و درمانده خواهیم بود و پیوسته با مکتب‌سازی‌های بی‌بنیان و لغات و کلمات دهان‌پرکن و بی‌محتوا خود را فریفته و دلخوش می‌داریم (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۷۰ - ۷۱)؛ چنان که متفکران نظام اقتصادی سرمایه‌داری وقتی نسبت به توحید در ربوبیت خدای متعال کفر ورزیدند ناچار شدند خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی خود را اراده و خواست انسان قرار دهند، کما اینکه متفکران نظام اقتصادی کمونیسم با انکار وجود خدای متعال ماتریالیسم تاریخی را خاستگاه کشف و طراحی خود قرار دادند (یوسفی، ۱۳۹۵: ۱۴۷) و بدین ترتیب از مسیر رشد و هدایت خارج شدند.

۲.۳.۲.۳. ناکامی مکتب‌های مادی و گرفتار شدن ملت‌ها به ناهنجاری‌های روحی

ناکارآمدی و ناکامی مکتب‌های مادی در دنیای امروز که ریشه در کنار گذاشتن خدا و حکم او در واقعیات زندگی انسان دارد هم قابل مشاهده است. آیت‌الله خمینی^(س) در نامه تاریخی به گورباچوف تأکید می‌کند که مشکل اصلی کشورشان مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست، بلکه مشکل عدم اعتقاد واقعی به خداست؛ همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده یا

۱. برای اطلاع بیشتر از آمار در این زمینه ← یوسفی، ۱۳۹۵: ۳۸۳ - ۳۸۸.

خواهد کشید. این امر در دنیای امروز هم قابل مشاهده است. به فرموده آیت‌الله خامنه‌ای یکی از نتایج یا حواشی حوادث منطقه‌که بالاتر از حواشی است. غلط از آب درآمدن تئوری‌های غربی است. همه تئوری‌های این‌ها در زمینه اقتصاد و سیاست و مدیریت سیاسی در این منطقه به گل می‌نشیند. این‌ها نشان می‌دهد تئوری‌پردازی‌های غربی در زمینه سیاست و اقتصاد تئوری‌های ناقص و عقیم و بی‌خاصیتی است و ما را بیشتر تشویق می‌کند به درون خودمان مراجعه کنیم و فکر اسلامی و اندیشه اسلامی را پیدا کنیم (بیانات در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲).

نتایج روی گردانی از مکتب توحیدی در نظام اقتصادی حاکم بر جامعه در بروز آثار آن در توزیع بد کالاها و تقسیم ناعادلانه ارزاق در میان ملت‌هایی که پیرو مکاتب بشری هستند پدیدار است. چنین کاری جامعه را لبریز از بدبختی‌ها و کینه‌توزی‌ها و سرشار از ترس‌ها و هراس‌ها می‌کند. این آثار منجر به فروپاشی روانی و آشفتگی درونی و ناهنجاری اخلاقی می‌شود و بلای جان خود حیات مادی خواهد شد و آن را به نابودی خواهد کشاند. زیرا کار و تولید و تقسیم ارزاق نیازمند ضمانت اخلاقی است و قانون زمینی به‌تنهایی ناتوان است. به همین دلیل، اضطراب‌های عصبی و بیماری‌های گوناگونی در ملت‌های جهان - به‌ویژه ملت‌هایی که در رفاه مادی بیشتری به سر می‌برند - نمایان است؛ اضطراب‌ها و بیماری‌هایی که سطح هوش و شکیبایی را پایین می‌آورد و به نابودی اقتصادی مادی و آسایش منتهی می‌شود (← سیدقطب، ۱۴۲۵، ج ۲: ۹۳۳ - ۹۳۴).

توجه به این مسئله و عمل به آن در جوامع عامل مهمی در یکسان‌سازی عملکرد اقتصادی جوامع و پیشرفت به سوی تحقق تمدن اسلامی خواهد بود.

۴.۲. کارکرد تأسیسی در اهداف علم اقتصاد

از جمله مباحث مطرح در فلسفه‌های مضاف به علوم هدف هر علم است. بر این اساس، رویکرد اجتماعی در فهم و بازتفسیر توحید در هدف علم اقتصاد تحولاتی را رقم خواهد زد:

۴.۲.۱. نظام اقتصادی در خدمت تحقق عبودیت اجتماعی

اگر قائل به حاکمیت گفتمان توحید اجتماعی باشیم، لازمه همه نظام‌های حاکم بر زندگی انسان، از جمله نظام اقتصادی، تحقق حاکمیت مطلقه الهی و ظهور عینی عبودیت اجتماعی است (نور / ۵۵). این امر در آیه ۴۱ سوره حج نیز بیان شده است: «الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست. آیه شریفه هدف تمکن در زمین را، که تمکن اقتصادی یکی از حوزه‌های مطلق تمکن فی الارض است، اقامه نماز و ایستادن زکات و امر به معروف و نهی از منکر بیان کرده است. به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای، اقامه نماز یعنی جامعه نمازخوان بشود. جامعه نمازخوان یعنی جامعه‌ای که در گوشه و کنارش ذکر خدا و یاد خدا به طور کامل موج می‌زند. در چنین جامعه‌ای، هیچ فاجعه‌ای انجام نمی‌گیرد، هیچ جنایتی، هیچ خیانتی. هیچ لگدی به ارزش‌های انسانی در این جامعه زده نمی‌شود. در این جامعه، مردم متذکر خدا هستند. جهت‌گیری جهت‌گیری خدایی است. در این جامعه همه کار برای خدا انجام می‌گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۴۶۰ - ۴۶۱). این جامعه مصداق عینی جامعه توحیدی است که عبودیت خدای یگانه اصل حاکم بر آن است. بنابراین، در جامعه توحیدی تولید، اشتغال، تهیه امکانات، و به دست آوردن وسایل مادی و در مجموع هر نوع داد و ستد اقتصادی، برخلاف نظام‌های لیبرال، هدف و مقصد اصلی و نهایی نیست و بالذات موضوعیت ندارد و باید همه در خدمت رسیدن به این هدف نهایی قرار گیرد. مکتب‌های توحیدی - که در رأس آن‌ها مکتب اسلام است - در عین حال که با مادیات و با مادیات سروکار دارند، مقصدشان این است که مردم را طوری تربیت کنند که مادیات حجاب آن‌ها برای معنویات نباشد. بنابراین، مادیات را در خدمت معنویات می‌کشند و در عین حالی که نسبت به مادیات و زندگی دنیا نظر دارند مردم را متوجه معنویات می‌کنند و از ظلمت ماده نجات می‌دهند. توجه به ماده و به مادیات، طوری که همه توجه به مادیات باشد، ظلمات است و انسان را به ظلمات می‌کشد (آیت‌الله خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹: ۲۸۸).

بنابراین، کل نظام اقتصادی اسلام باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که همه فعالان اقتصادی در درون الگوی اقتصادی رو به سوی خدای متعال بودن را هدف فعالیت اقتصادی خود قرار دهند (یوسفی، ۱۳۹۵: ۱۴۷ - ۱۴۸). این امر همه رفتارها و روابط

و نیز اهداف و ساختارهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نتیجه شکل و ساختار این نظام ماهیتاً با الگوی سرمایه‌داری غربی یا نظام اقتصادی کمونیستی و ... متفاوت خواهد بود.

۲. ۴. ۲. کسب استقلال اقتصادی جوامع و رفع وابستگی مالی آن‌ها

بر اساس اعتقاد به حاکمیت مطلق الهی و لزوم عبودیت محض در برابر پروردگار یگانه و نیز قاعده نفی سبیل: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء / ۱۴۱) هر امری که در این مسئله خلل ایجاد کند و زمینه حاکمیت هر معبودی غیر از خداوند را فراهم سازد به شدت نهی می‌شود: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا ... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ ...» (بقره / ۲۵۷) که از مصادیق آن می‌توان به وابستگی مالی به نظام‌های غیر الهی و حاکمیت نظام سرمایه‌داری حاکم بر جوامع اشاره کرد. این نظام که توده عظیمی از انسان‌ها را تحت سلطه خود قرار می‌دهد با شعار مصرف بیشتر و تبلیغات فریبنده درباره آن زمینه فرورفتن بیشتر در این اسارت را فراهم می‌کند تا جایی که این اندیشه در ذهن‌ها نقش بندد که من مصرف می‌کنم، پس هستم یا صورت حساب خرید را مصداق عینی خوشبختی خود تلقی می‌کند. اساساً ویژگی نظام‌های غیر الهی و معبودهای دروغین چنین است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان اموال مردم را به ناروا می‌خورند و [آنان را] از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند (توبه / ۳۴).

در آیات پیش از این آیه، سخن از اعمال شرک‌آمیز یهود و نصاری بود که برای دانشمندان خود نوعی الوهیت قائل بودند. در این آیه می‌فرماید آن‌ها نه تنها مقام الوهیت ندارند، بلکه به دلیل خلاف‌کاری‌های گوناگون (از جمله فسادهای مالی مانند گرفتن رشوه، بهشت‌فروشی، و ...) صلاحیت رهبری خلق را نیز ندارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۳۹۰ - ۳۹۱).
راه‌حل گریز از این آفت قرار گرفتن در ساحت ولایت مطلقه الهی، پناه بردن جمعی به دامن فضل الهی: «وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِن فَضْلِهِ» (نساء / ۳۲)، و تلاش جمعی برای ساخت و آبادانی و رونق اقتصادی با توکل بر اوست.

نتیجه

توحید اجتماعی بازتفسیر جدید از اصل اعتقادی توحید است که در امتداد توحید اعتقادی مطرح می‌شود و کارکردهای قابل توجهی، به‌ویژه در فلسفه علوم، از جمله علم اقتصاد، دارد که قابل تقسیم به کارکرد الهیاتی و تحولی و تأسیسی است. نظر به نوپدید بودن این خوانش از توحید و کارکرد آن در علوم انسانی، لزوم اسلامی‌سازی علم اقتصاد، و اولویت داشتن مسائل اقتصادی در کشور پرداختن به این مسئله ضروری است. با لحاظ این نکته برآیند مقاله حاضر را می‌توان به شرح ذیل تبیین کرد:

با خوانش اجتماعی از اصل توحید، تحولاتی در مبانی و مفاهیم علم اقتصاد ایجاد و افق‌های جدیدی پیش روی اندیشمندان این علم گشوده می‌شود. توحید اجتماعی با آزادسازی انسان‌ها از سلطه هر معبود غیر الهی بر اهمیت محوریت تحقق عبودیت الهی در جامعه در همه حوزه‌های اقتصادی و کنش‌های اقتصادی حکومت و کارگزاران اقتصادی و وضع قوانین و ... تأکید می‌کند.

مردود بودن همه نظام‌های اقتصادی غیر الهی و سکولار و تبیین تأثیر مشیت خداوند در امور اقتصادی و نتایج اجتماعی آن، از جمله دعا و استغفار جمعی و اقامه جمعی شریعت الهی و تحلیل مستدل سنت‌های الهی حاکم بر اقتصاد، از کارکردهای الهیاتی توحید اجتماعی در پیش‌فرض‌های اعتقادی علم اقتصاد است. با خوانش اجتماعی از توحید جاودانگی احکام برای همه جوامع با نگاه توحیدی ثابت می‌شود که از مصادیق کارکرد تحولی توحید اجتماعی است. از تبعات غفلت از توحید اجتماعی در امر اقتصاد می‌توان به گسترش دایره ابتلا به فقر، محرومیت اجتماعی از برکات و نعمات آسمانی و زمینی، ناکامی مکتب‌های مادی، و گرفتار شدن ملت‌ها به ناهنجاری‌های روحی اشاره کرد که در تناقض با کارکرد تأسیسی توحید اجتماعی در هدف علم اقتصاد است. با نگرش اجتماعی به توحید، نظام اقتصادی در خدمت تحقق عبودیت اجتماعی و استقلال اقتصادی جوامع و رفع وابستگی مالی آن‌ها از جمله تحولات ایجادشده در اهداف علم اقتصاد است. نگاه اجتماعی به فلسفه علم اقتصاد و تحلیل کارکردهای آن بر مبانی و کلیات این علم ظرفیت‌های مغفول این علم را آشکار می‌سازد و زمینه‌ای برای نظریه‌پردازی در حوزه اقتصاد اسلامی قرآن‌بنیان خواهد بود.

منابع

- قرآن کریم، مترجم: ناصر مکارم شیرازی.
۱. اکاشا، سمیر (۱۳۹۸). *درآمدی بر فلسفه علم*. مترجم: ابوالفضل حقیری قزوینی. تهران: امیرکبیر.
 ۲. بسته‌نگار، محمد (۱۳۷۸). *منارهای در کویر (مجموعه مقالات آیت‌الله طالقانی)*. جلد اول: توحید و استبداد. چ ۲. تهران: قلم.
 ۳. توکلی، محمدجواد (۱۳۸۹). *درآمدی بر چیستی، قلمرو، و چشم‌اندازهای فلسفه اقتصاد اسلامی*. *معرفت اقتصاد اسلامی*، سال ۲، شماره ۳، ۶۵ - ۹۲.
 ۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *جامعه در قرآن؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم*. چ ۲. قم: اسراء.
 ۵. _____ (۱۳۸۹). *ولایت فقیه*. محقق: محمد محرابی. چ ۹. قم: اسراء.
 ۶. حقی بروسوی، اسماعیل (بی‌تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دار الفکر.
 ۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۵۶). *مقاله روح توحید نفی عبودیت خدا؛ دیدگاه توحیدی (مجموعه مقالات)*. به کوشش مصطفی ایزدی و قاسم مسکوب. بی‌جا. بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۸. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. چ ۳۴. قم: صهباء.
 ۹. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۵). *مجموعه مقالات فلسفه‌های مضاف (مقاله فلسفه فلسفه اسلامی)*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۱۰. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی^(ع) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی، و نامه‌ها)*. چ ۵. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع).
 ۱۱. سیدقطب (۱۴۲۵). *فی ظلال القرآن*. چ ۳۵. بیروت: دار الشروق.
 ۱۲. شیبانی، محمد (۱۴۱۳). *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*. قم: الهادی.
 ۱۳. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۸). *ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم*. قم: شکرانه.
 ۱۴. صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۵). *اقتصادنا*. محقق: مکتب الإعلام الإسلامی. شعبه خراسان. بی‌جا. قم: بوستان کتاب مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی.
 ۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چ ۲. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
 ۱۶. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۰). *تبیین رسالت برای قیام به قسط؛ مجموعه شش سخنرانی آیت‌الله طالقانی*. بی‌جا. تهران: بنیاد فرهنگی آیت‌الله طالقانی با همکاری شرکت انتشار.
 ۱۷. _____ (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. چ ۴. تهران: شرکت سهامی انتشار.
 ۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق). *التفسیر (تفسیر العیاشی)*. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
 ۱۹. فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹). *من وحی القرآن*. بیروت: دارالملاک.
 ۲۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
 ۲۱. مصباح، مجتبی (۱۳۸۱). *فلسفه اخلاق*. چ ۹. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع).
 ۲۲. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴). *التفسیر الکاشف*. قم: بوستان کتاب.
 ۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۰). *خطوط اقتصاد اسلامی*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب^(ع).
 ۲۴. _____ (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. چ ۱۰. قم: دار الکتاب الاسلامیه.
 ۲۵. موسوی ثمرین، سید سعید (۱۳۹۰). *فلسفه علم اقتصاد اسلامی*. *کتاب ماه علوم اجتماعی*، سال ۱۵، شماره ۴۴ و ۴۵، ۶۱ - ۶۴.
 ۲۶. میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۸). *فلسفه علم اقتصاد اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۲۷. هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۸۶). *فلسفه اقتصاد در پرتو جهان‌بینی قرآن کریم*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۲۸. یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۵). *نظام اقتصاد مقاومتی، الگوی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام*. قم: نگاه فارسی.
 ۲۹. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای <https://khamenei.ir/>

- Holy Quran.

1. Akasha, S. (2018). *An introduction to the philosophy of science*. translated by Abulfazl Haghiri Qazvini. Tehran: Amir Kabir. (in Persian)
2. Ayashi, M. (2001 AH). *Al-Tafsir (Tafsir Al-Ayashi)*. Tehran: Al-Elmiyyah Al-Islamiyah Library. (in Persian)
3. Bastenegar, M. (1999). *A minaret in the desert*, collection (Ayatollah Taleghani's articles) first volume:

- monotheism and tyranny. Tehran: Qalam. (in Persian)
4. Eyzadi, M. & Moskob, Q. (1977). *Monotheistic Perspective (Collection of Articles; Essay on the Spirit of Monotheism Denying God's Obedience)*. Seyyed Ali Khamenei. Farhang Islamic Publishing House. (in Persian)
 5. Fazlullah, M. H. (1419). *Men Wahi Al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Mulak. (in Arabic)
 6. Hadoinia, A. A. (2016). *Economic Philosophy in the Light of the Worldview of the Holy Quran*. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (in Persian)
 7. Haghi Brosavi, I. (n.d). *Tafsir Ruh al-Bayan*. Beirut: Dar al-Fikr. (in Arabic)
 8. Javadi Amoli, A. (2009). *Society in the Qur'an; Thematic interpretation of the Holy Qur'an*. Qom: Isra'a. (in Persian)
 9. ----- (2010). *Velayat al-Faqih*. research: Mohammad Mehrabi. Qom: Isra'a. (in Persian)
 10. Khamenei, S. A. (2012). *Outline of Islamic thought in the Qur'an*. 34th edition. Qom: Sohba. (in Persian)
 11. Khomeini, R. (2010). *Sahife Imam: Collection of works of Imam Khomeini^(RA) (statements, messages, interviews, edicts, Sharia permits and letters)*. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute^(RA). (in Persian)
 12. Khosropanah, A. H. (2016). *Collection of articles on Mozaf philosophy (Essay on the philosophy of Islamic philosophy)*. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (in Persian)
 13. Makarem Shirazi, N. (1981). *Lines of Islamic Economics*. Qom: Madrasa al-Imam Ali bin Abi Talib^(a.s.). (in Persian)
 14. ----- (1992). *Sample interpretation*. Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya. (in Persian)
 15. Mirmoazi, S. H. (2008). *Philosophy of Islamic Economics*. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (in Persian)
 16. Misbah, M. (2002). *Philosophy of Ethics*. Qom: Publications of Imam Khomeini Educational Research Institute. (in Persian)
 17. Moghniyeh, M. J. (2003). *Al-Tafsir al-Kashif*. Qom: Bostan Kitab. (in Arabic)
 18. Mousavi Samarini, S. S. (2013). *Philosophy of Islamic Economics. Book of the Month of Social Sciences*, 15(44 & 45), 61-64. (in Persian)
 19. Qaraati, M. (2008). *Tafsir Noor*. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Qur'an. (in Persian)
 20. Reiss, J. (2013). *Philosophy of economics: A contemporary introduction*. New York: Routledge.
 21. Sadeghi-Tehrani, M. (2009). *Tafsir Al-Farqan: A brief interpretation of the Holy Qur'an*. Qom: Shokarane. (in Arabic)
 22. Sadr, S. M. B. (n.d). *Igtesadona: Islamic Information Library*. Khorasan Branch. Qom: Bostan Kitab. (in Arabic)
 23. Seyyed Qutb (2004). *In the Shadows of the Qur'an*. Beirut: Dar al-Shoroq. (in Arabic)
 24. Shibani, M. (1992). *Nahj al-Bayan on discovering the meanings of the Qur'an*. Qom: Al-Hadi. (in Arabic)
 25. Tabatabaei, S. M. H. (2013). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Al-Alami Press Institute. (in Arabic)
 26. Taleqani, S. M. (1983). *Explanation of the mission for rising in installments; A collection of six lectures by Ayatollah Taleghani*. Tehran: Ayatollah Taleghani Cultural Foundation in collaboration with publishing company. (in Persian)
 27. ----- (1985). *Ray of the Qur'an*. Tehran: Publishing Company. (in Persian)
 28. Tawakoli, M. J. (2009). *Introduction to the nature, scope and prospects of Islamic economic philosophy. Islamic Economic Knowledge*, Vol. 3, 2(3), 65-92. (in Persian)
 29. Yousefi, A. A. (2015). *The Resistance economic system is an inspiring model of the economic system of Islam*. Qom: Negah Farsi. (in Persian)